

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح الحاق دو تبصره به بند «ث» ماده (۶۷) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»

مقدمه

طرح الحاق دو تبصره به بند «ث» ماده (۶۷) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه که به امضای ۱۰۵ نفر از نمایندگان محترم مجلس رسیده و با قید یک فوریت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است، می‌کوشد برای تجهیز و راهاندازی چندین شبکه پیام‌رسان کارآمد داخلی اقدام قانونی عاجلی را صورت دهد. به این منظور از یک سو تبصره اول، برای تأمین منابع مالی جهت حمایت مستقیم از پیام‌رسان‌های داخلی، دولت را مکلف می‌کند از طریق فروش منابع واگذاری بنگاه‌های دولتی موضوع جزء «۲» بند «د» سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی این هدف را محقق سازد و از سوی دیگر، تبصره دوم با جرم‌انگاری نگهداری غیر رمز شده، استفاده، پردازش، انتشار و افشای داده‌های مربوط به ارتباطات خصوصی کاربران شرایط بهتری را از این جهت برای استفاده‌کنندگان ایجاد کند. در این نوشتار ضمن مرور سیاست‌هایی که در ارتباط با رسانه‌های کاربرمحور اتخاذ شده، ضمن تحلیل اولویت‌ها و نیازهای تقنینی و نظارتی که در این زمینه وجود دارد، متن ماده واحد مورد ارزیابی قرار گرفته است.

مشخصات طرح

دوره دهم - سال سوم

شماره ثبت:

۵۰۵

شماره چاپ:

۱۲۰۷

تاریخ چاپ:

۱۳۹۷/۹/۲۴

معاونت پژوهش‌های

اجتماعی - فرهنگی

دفتر: مطالعات

فرهنگی

سایر دفاتر: مطالعات

ارتباطات و فناوری‌های

نوین

مطالعات حقوقی

مطالعات بخش عمومی

مطالعات سیاسی

تحولات سیاستی یک دهه اخیر در مواجهه با سامانه‌های کاربرمحور

۱. سیاست ساماندهی و نظارت

موضوع ساماندهی سامانه‌های کاربرمحور برای نخستین بار در آیین‌نامه ساماندهی و توسعه رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دیجیتال مصوب ۱۳۸۹/۵/۲۴ هیئت وزیران مورد توجه قرار گرفت و در بند «ش» ماده (۱) آن رسانه کاربرمحور تعریف شد.^۱ مطابق ماده (۲) این آیین‌نامه نیز ایجاد و فعالیت هر واحد فرهنگی دیجیتال و انتشار هر رسانه دیجیتال منوط به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد.

در امتداد سیاست فوق بند «ج» ماده (۱۰) قانون برنامه پنجم مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی، دولت را مکلف کرد اقدامات قانونی لازم را به منظور پیشنهاد وضع و اجرای سیاست‌ها و مقررات مورد نیاز و ایجاد و تقویت سازوکارهای لازم برای ساماندهی، نظارت و پالایش محتوای دیداری، شنیداری و نوشتاری در فضای رسانه‌های کشور - اعم از رسانه‌های مکتوب، دیداری، شنیداری، رقومی (دیجیتال)، مجازی و شبکه‌های ارتباطی غیرمکالماتی، شبکه‌های داده و ماهواره‌ای و سامانه‌های مخابراتی - به شورای عالی انقلاب فرهنگی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۷۰۱۶۳۱۲

تاریخ انتشار:

۱۳۹۷/۱۱/۱۳

۱. بر اساس این تعریف رسانه برخطی که بستر قرار دادن محتوای دیجیتال در معرض دسترسی عموم یا بیش از یک‌هزار مخاطب مشخص و همچنین تعامل و تشکیل گروه‌ها و شبکه‌های مجازی را برای کاربران فراهم آورد. رسانه کاربرمحور محسوب می‌شود.

صورت دهد. طبق گزارش سازمان برنامه و بودجه از عملکرد مفاد قانون برنامه پنجم، بند مذکور هیچ‌گونه عملکرد مشخصی نداشته است.^۱

در اسفندماه ۱۳۹۰ شورای عالی فضای مجازی با هدف ایجاد مرکز واحدی برای تصمیم‌گیری درباره فضای مجازی با حکم رهبری انقلاب تأسیس شد و مرجعیت تصمیم‌گیری در این باره از شورای عالی انقلاب فرهنگی به این شورا انتقال یافت. اما در طول سال‌های اجرای قانون برنامه پنجم در حالی که میزان استفاده از پیام‌رسان‌های خارجی روزبه‌روز افزایش می‌یافت، سیاستگذاری روشنی در زمینه پیام‌رسان‌ها صورت نگرفت.

۲. سیاست حمایت از فراگیری پیام‌رسان داخلی

اگر رویکرد غالب در سیاست نظارت و کنترل رسانه‌های جدید را تهدیدمحور بدانیم، به تدریج در مرحله جدید نگرش عمیق‌تری در کشور نسبت به رسانه‌های اجتماعی شکل گرفت که می‌توان آن را رویکرد فرصت‌محور نامید. دو موضوع باعث شکل‌گیری نگرش جدیدی به این رسانه‌ها شد: اول اینکه آنها با فراهم کردن قابلیت‌هایی به عنوان یک سیستم اقتصادی - اجتماعی نوین عمل می‌کنند. قابلیت‌هایی که می‌تواند سازوکار کنترل سیاسی و اقتصادی را از دست دولت‌ها خارج کرده و سبب فرسایش کنشگری و اقتدار دولت‌های ملی شود. در این میان کشورهای قدرتمند که به دنبال استقلال و حفظ حاکمیت ملی خود در برابر این پلتفرم‌های فراملی هستند می‌کوشند پلتفرم‌های خود را توسعه دهند تا از طریق آنها بتوانند اعمال حکمرانی کنند.

دوم آنکه فقدان پلتفرم داخلی موجب می‌شود تا حجم زیادی از اطلاعات مردم، کسب‌وکارها و حاکمیت که در این محیط وجود دارد، به سمت خارج از کشور هدایت شده و این اطلاعات مورد سوءاستفاده قرار گیرد. این اطلاعات شامل اطلاعات خصوصی و عمومی شهروندان و تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها (BIG DATA) است که در بستر پیام‌رسان‌های اجتماعی، تولید، ذخیره‌سازی و به اشتراک گذاشته می‌شود. بنابراین امکان بهره‌برداری از این اطلاعات برای اهداف سوء وجود خواهد داشت و چنانچه دانش بومی برای استفاده از این منابع غنی اطلاعاتی وجود داشته باشد، می‌توان بهره‌های عظیم ملی از آنها برد. مجموع این موارد، حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی را ضروری ساخت. علاوه بر موارد فوق اتفاقات میدانی که در کشور رخ می‌داد گوشه‌هایی از واقعیت رسانه‌های اجتماعی از جمله پیام‌رسان‌ها را برای تصمیم‌گیران مکشوف می‌نمود. به عنوان مثال، در اسفند سال ۱۳۹۴ و انتخابات مجلس دهم، درک واقعی‌تری از اهمیت پیام‌رسان‌های اجتماعی در میان سیاستمداران و تصمیم‌گیران ایجاد شد تا اینکه سیاست‌های شورای عالی فضای مجازی این بار نه از باب نظارت و کنترل، بلکه از باب حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی در مقابل نمونه‌های خارجی آن طی جلسات ۳۶ تا ۴۰ آن شورا تصویب و پس از تأیید رهبری ابلاغ شد.^۲ اتفاقات دی‌ماه سال ۱۳۹۶ باعث شد در سطح سیاستگذاران نسبت به انحصاری که تلگرام ایجاد کرده بود درک عمیق‌تری ایجاد شود و پیام‌رسان‌های داخلی که به حدود هفت مورد می‌رسیدند کانون توجه قرار گیرد و در یک ضرب‌الاجل چندماهه از یک سو فیلترینگ تلگرام به عنوان یکی از اولویت‌های سیاستی در دستور کار قرار گیرد و از سوی دیگر اجرای سیاست‌های ابلاغی شورای عالی فضای مجازی در زمینه حمایت از فراگیری پیام‌رسان داخلی مورد مطالبه جدی قرار گیرد.

۱. گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵، جلد دوم: حوزه بخشی (۱)، ناشر سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات نوبت چاپ: اول، سال انتشار ۱۳۹۶، فصل بیست‌وهشتم، ارتباطات و رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، صص ۲۴۷ - ۲۱۷.

۲. سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی مصوب جلسات شماره ۳۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۱، شماره ۲۷ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۹، شماره ۲۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۷، شماره ۲۹ مورخ ۱۳۹۶/۱/۳۶ و شماره ۴۰ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ شورای عالی فضای مجازی.

۳. سیاست اعتمادسازی نسبت به پیام‌رسان داخلی

تا این مرحله با وجود تدابیر و حمایت‌های قانونی که از طرف مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات برای حمایت از پنج پیام‌رسان داخلی صورت گرفت، همچنان پیام‌رسان‌های داخلی در مقابل خارجی‌ها نتوانستند نظر کاربران را به خود جلب کنند و مورد اقبال عمومی قرار گیرند. مطابق نظرسنجی‌هایی که به طور پراکنده انجام شده مهم‌ترین عامل عدم روی آوردن مردم به پیام‌رسان داخلی بی‌اعتمادی مردم (کاربران) به آنهاست.

بر طبق نتایج نظرسنجی که در خرداد سال ۱۳۹۷ انجام شده، ۶۲/۴ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که قبل از فیلتر تلگرام از آن استفاده می‌کردند. همچنین نتایج این نظرسنجی حاکی از آن است که حدود ۴۷ درصد کاربران بعد از فیلتر تلگرام کماکان از آن استفاده می‌کنند، این می‌تواند بدان معنا باشد که سیاست فیلترینگ و حمایت‌هایی که از پنج پیام‌رسان داخلی صورت گرفته، تنها بر ۱۵ درصد از کاربران تأثیر داشته و منجر به تغییر رفتار آنها شده است. نکته شایان توجه آنکه این نظرسنجی در مهرماه سال جاری نیز تکرار شده و نتایج مشابهی داشته است.^۱

همچنین نتایج نظرسنجی مذکور نشان می‌دهد استفاده از واتساپ بعد از فیلتر تلگرام افزایش یافته، این عدد بر اساس نظرسنجی ملی ایسپا در نیمه فروردین‌ماه سال جاری قبل از فیلتر تلگرام ۱۲ درصد بوده، اما در خرداد و مهرماه به ترتیب ۲۵ درصد و ۳۰/۱ درصد بوده است. میزان استفاده از اینستاگرام بعد از فیلتر تلگرام رشد صعودی داشته و از ۱۷/۷ درصد در فروردین‌ماه سال جاری به ۳۲/۲ درصد در خردادماه رسیده بود، اما این عدد طبق نتایج اخیر ایسپا از خرداد تا مهر به نسبت ثابت مانده است.

این موضوع به حدی جدی بوده که رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از مدیران نظام در فروردین سال ۱۳۹۷ با رویکرد فرصت‌محور نسبت به پیام‌رسان‌های داخلی و برآوردی که از وضعیت افکار عمومی جامعه نسبت به پیام‌رسان‌های داخلی داشتند، تصریح می‌کنند که مسئولان باید امنیت و حریم داخلی مردم و کشور را حفظ کنند؛ تعرض به امنیت و حریم داخلی مردم حرام شرعی است و نباید انجام شود و متصدیان کار در دستگاه‌های دولتی و قضایی مراقبت کنند تا حریم داخلی زندگی مردم و اسرار آنها محفوظ بماند.^۲

به این ترتیب، علاوه بر سیاست حمایت از فراگیری پیام‌رسان داخلی، سیاست اعتمادسازی نسبت به پیام‌رسان داخلی در دستور قرار گرفت.

بر این اساس، طرح «الحاق دو تبصره به بند «ث» ماده (۶۷) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» جزء نخستین اقدامات تقنینی مجلس شورای اسلامی محسوب می‌شود که با توجه به تحولات و اتفاقاتی که در فضای مجازی صورت گرفته، می‌کوشد دو سیاست روشن یعنی حمایت از فراگیری پیام‌رسان داخلی و اعتمادسازی نسبت به آنها را دنبال کرده و خلأهای قانونی که در این زمینه وجود دارد را مرتفع سازد.

۱. طرح نظرسنجی «بررسی مسائل روز کشور از منظر افکار عمومی مردم ایران» در مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در مهرماه ۱۳۹۷ با پرسشگری از ۱۲۸۱ نفر از افراد بالای ۱۸ سال به بالای کشور به شیوه تلفنی انجام شد و بخشی از طرح مذکور به میزان استفاده مردم ایران از شبکه‌های اجتماعی اختصاص داشته است. <http://ispa.ir/Default/Details/fa/1978/>

2. <http://www.leader.ir/fa/content/20883-1397/1/20>

تبصره «۳» ماده واحد: حمایت مالی از پیام‌رسان داخلی

تبصره «۳» - دولت مکلف است از محل منابع واگذاری‌های بنگاه‌های دولتی، موضوع جزء «۲» بند «د» سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی نسبت به تأمین زیرساخت‌ها و ارائه تسهیلات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جهت حمایت از شبکه‌های پیام‌رسان داخلی به نحوی که در داخل کشور ظرفیت کافی برای ارائه خدمات پیام‌رسانی ایجاد شود و بر اساس مصوبات شورای عالی فضای مجازی تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه اقدام نموده و گزارش آن طی بازه‌های زمانی دوماهه به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

۱. به موجب ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی وجوه حاصل از واگذاری‌های موضوع این قانون به حساب خاص نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در موارد هشت‌گانه مصرف می‌شود. بنابراین برای منابع حاصل از واگذاری، مصارف دقیقی پیش‌بینی شده و هرساله در مجموع جداول ۱۳ و ۱۸ لایحه بودجه سنواتی برآورد دقیقی برای آنها صورت می‌گیرد. از این‌رو منابع آزادی در اختیار دولت نیست که به سایر امور تخصیص دهد. بنابراین تصویب آن موجب هزینه‌های دولت شده و با اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی مغایرت دارد.

۲. حتی در صورت ملحوظ کردن موضوع حمایت از پیام‌رسان اجتماعی در مفاد ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم، اشکالات اساسی این تبصره مرتفع نخواهد شد. دلیل این امر آن است که اگرچه طبق مصوبه شورای عالی فضای مجازی و ابلاغیه مرکز ملی فضای مجازی حمایت‌ها و تسهیلات متعددی به پنج پیام‌رسان اجتماعی داخلی انجام شده، تسهیلات و زیرساخت ارتباطی ارزان‌قیمت و امکانات مربوط به ذخیره‌سازی در اختیار آنها قرار گرفته است، اما این پیام‌رسان‌ها تاکنون نتوانسته‌اند حتی بخشی از انتظارات حاکمیت در خصوص جلب کاربران داخلی به استفاده از این پیام‌رسان‌ها را برآورده کنند. بنابراین حمایت مالی از پیام‌رسان‌های اجتماعی داخلی لزوماً متضمن تحقق اهداف نظام در فضای مجازی و رافع نگرانی‌های موجود نیست.

۳. ظرفیت فعلی پیام‌رسان داخلی از نظر زیرساخت و امکان ذخیره‌سازی چه‌بسا برای بیش از کاربران فعلی این شبکه‌ها کفایت کند. ایجاد ظرفیت بیش از آنچه وجود دارد نه تنها ضرورت ندارد، بلکه باعث ایجاد ظرفیت بلااستفاده دیگری خواهد شد که هزینه نگهداری و پشتیبانی نیز بر آن مترتب می‌شود. در حالی که کاربران این شبکه‌ها همچنان تعداد ثابتی باقی مانده‌اند.

۴. درآمدهای اختصاصی حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به تنهایی خواهد توانست برای تأمین اعتبارات مورد نیاز زیرساخت مصرف شود و اگر قرار باشد برای امور مهمی مانند زیرساخت شبکه ملی اطلاعات هزینه شود، از همین منبع امکان و ظرفیت تأمین اعتبار وجود دارد.

۵. مطالبه طرح به جای اینکه صرفاً به دنبال تأمین و تجهیز زیرساخت پیام‌رسان‌ها باشد می‌باید متوجه زیرساخت شبکه ملی اطلاعات و فراهم ساختن زمینه خدمات پایه کاربردی شبکه ملی اطلاعات مانند خدمات مراکز داده مانند میزبانی و ذخیره‌سازی و خدمات ابری شود، در آن صورت هر پیام‌رسان نیازمند صرف هزینه سنگین برای تهیه تجهیزات ذخیره‌سازی نخواهد بود. قسمت اخیر بند «ب» ماده (۶۸) قانون برنامه ششم توسعه نیز وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را به توسعه و تکمیل شبکه ملی اطلاعات، امن و پایدار مکلف نموده که تفصیل آن در سند تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات مصوب سال ۱۳۹۵ شورای عالی

فضای مجازی آمده است. شایان توجه است که انجام این تکلیف که دربردارنده خدمات پایه کاربردی شبکه ملی اطلاعات است عملاً تا سال پایانی قانون برنامه ششم یعنی ۱۴۰۰ امکان اجرایی دارد، ولی در عین حال لازم است مجلس شورای اسلامی پیشرفت پروژه را از طریق ابزارهای نظارتی مورد بررسی قرار دهد و پیشنهاد می‌گردد مجلس در راستای اجرای وظایف نظارتی خود از وزیر مربوطه تحقق موضوع را از طریق جدول زمان‌بندی مورد مطالبه قرار دهد.

با توجه به موارد فوق‌الذکر مشخص شد که رویکرد اصلی تبصره «۳» طرح حاضر این است که نیازهای مالی و زیرساختی پیام‌رسان‌های داخلی را مرتفع سازد تا پیام‌رسان‌های ایرانی از وضعیت فعلی مجهزتر شود، در حالی که نیاز اساسی این بخش و اولویت سیاستی آن، انجام اقدامات تقنینی و نظارتی است که برای استفاده و مراجعه به آنها اعتماد عمومی ایجاد شود.

تبصره «۴» ماده واحده: صیانت از حریم خصوصی کاربران در پیام‌رسان‌های اجتماعی

تبصره «۴» - نگهداری غیر رمزشده، استفاده، پردازش، انتشار و افشای داده‌های ارتباطات خصوصی کاربران در پیام‌رسان‌های داخلی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی جرم محسوب می‌شود و مرتکبین به مجازات ماده (۷۴۵) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

همان‌طور که گفته شد ایجاد اعتماد عمومی نسبت به پیام‌رسان داخلی و اطمینان خاطر از عدم پنهانکاری^۱ در آنها به بهانه‌های مختلف اولویت اصلی تقنینی، نظارتی و اجرایی در قبال آنهاست. در این میان چنانچه قرار است در قالب طرح/ لایحه، قانونی به تصویب برسد ضرورت دارد محورهای زیر مورد توجه جدی قرار گیرد:

۱. تعریف جامعی از حریم خصوصی و گستره عمومی ارائه شود.
۲. حقوق و تکالیف کاربران در هر یک از دو قلمرو خصوصی و عمومی تبیین شود.
۳. حقوق و تکالیف گردانندگان و مدیران پیام‌رسان و ایجادکنندگان محیط‌های تبادل داده و بهره‌برداران عمده پیام‌رسان‌ها مشخص شود.
۴. تکالیف نظارت‌کنندگان بر پیام‌رسان‌ها مشخص شود.
۵. اینکه برای هر آنچه خارج از ضوابط مشخص شده در متن قانون صورت گیرد ضمانت اجراها و سازوکارهای بازدارنده و سزادهنده‌ای پیش‌بینی شود، به عنوان مثال ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی تصریح می‌کند: هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. در مورد محیط پیام‌رسان‌های اجتماعی نیز تضمینات مربوط به حقوق مقرر در قانون اساسی افراد ملت تصریح شود و رژیم مسئولیت و حقوق به دقت تنظیم گردد. در این خصوص باید توجه داشت که ضمانت اجراها و سازوکارهای بازدارنده و سزادهنده‌ای باید علاوه بر مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی، سایر فعالان فضای مجازی مانند گردانندگان محیط‌های تبادل داده را نیز شامل شود.
۶. استفاده از داده‌های کاربران در جهت بهره‌برداری تجاری نیز باید به لحاظ قانونی تعیین تکلیف شود.

تبصره «۴» طرح حاضر از میان موارد فوق، تنها به بخش کوچکی از این موارد توجه دارد و بخش عمده این نیازهای تقنینی را در برنمی‌گیرد و تصویب آن به شکل حاضر و بدون توجه به تعاریف و مفاهیم مورد نیاز نخواهد توانست از حقوق کاربران حمایت لازم را ایجاد کند ضمن اینکه دستگاه قضایی را نیز دچار سردرگمی می‌کند. چراکه برخی رفتارهایی که در این تبصره جرم‌انگاری شده است در حال حاضر به موجب ماده (۷۴۵) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات) جرم‌انگاری شده است و مشمول ماده مذکور می‌باشد مانند، انتشار و افشای داده‌های صوتی، تصویری، خصوصی یا اسرار اشخاص.

در نهایت پیشنهاد می‌شود رفتارهایی که در ماده (۷۴۵) جرم‌انگاری نشده و در تبصره حاضر مدنظر طراحان می‌باشد، مانند نگهداری غیر رمزشده، استفاده و پردازش در قالب ماده‌واحد اصلاح ماده (۷۴۵) ارائه گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. با توجه به اینکه تبصره «۳» این طرح چندین ایراد اساسی دارد از جمله اینکه با ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی تعارض دارد و موجب افزایش هزینه‌های دولت می‌شود با اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی مغایرت دارد و قابل پذیرش نیست. در این خصوص پیشنهاد می‌شود مجلس در راستای اجرای وظایف نظارتی خود بر اجرای قسمت اخیر بند «ب» ماده (۶۸) قانون برنامه ششم توسعه از وزیر مربوطه تحقق موضوع را از طریق جدول زمان‌بندی مورد مطالبه قرار دهد.

۲. تبصره «۴» این طرح نیز اگرچه به موضوع پُراهمیت و نیاز اساسی پیام‌رسان‌های داخلی یعنی اعتمادسازی از طریق جرم‌انگاری برخی رفتارهای ناقض حریم خصوصی کاربران پرداخته، ولی به ابعاد وسیعی از نیازهای تقنینی که برای ایجاد اعتماد مردم نسبت به پیام‌رسان‌ها ضروری است از جمله ایجاد اعتماد برای سرمایه‌گذار بخش خصوصی، ایجاد اعتماد برای کاربران از نظر کیفیت فنی داخلی نسبت به خارجی، ایجاد اطمینان خاطر برای کاربران از نظر عدم پنهانکاری و اطمینان خاطر از نظر امنیت پیام‌رسان داخلی، ایجاد اعتماد نسبت به اینکه در صورت حضور کاربران با تعداد بالا امکان پشتیبانی وجود خواهد داشت، نپرداخته است. ضمن اینکه طرح حاضر با طرح ساماندهی پیام‌رسان‌های داخلی (شماره ثبت ۴۹۶) از نظر موضوع و اهداف وحدت دارند و ضرورتی به طرح‌های مجزا برای تحقق یک هدف مشترک وجود ندارد. در نهایت پیشنهاد می‌شود رفتارهایی که در ماده (۷۴۵) جرم‌انگاری نشده و در تبصره حاضر مدنظر طراحان می‌باشد، مانند نگهداری غیر رمزشده، استفاده و پردازش در قالب ماده‌واحد اصلاح ماده (۷۴۵) ارائه گردد.

